

# SID



سرویس های ویژه



سرویس ترجمه تخصصی



کارگاه های آموزشی



بلاگ مرکز اطلاعات علمی



عضویت در خبرنامه



فیلم های آموزشی

## کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی



PROPOSAL

پروپوزال

مركز آموزش  
پروپوزال نویسی و پایان نامه نویسی

کارگاه آنلاین  
پروپوزال نویسی و پایان نامه نویسی



مركز آموزش  
روش تحقیق و مقاله نویسی علوم انسانی

کارگاه آنلاین  
روش تحقیق و مقاله نویسی علوم انسانی



ISI  
Scopus

مركز آموزش  
آشنایی با پایگاه های اطلاعات علمی بین المللی و ترکیه های جستجو

کارگاه آنلاین آشنایی با پایگاه های اطلاعات علمی بین المللی و ترکیه های جستجو

## "یکی" های ناهمسان در شاهنامه فردوسی

فریده وجدانی<sup>۱</sup>

### چکیده

قید "یکی" واژه‌ای است که در شاهنامه فردوسی به طور مکرر در آفرینش هنری شاعر حضور یافته‌است؛ اما شاید فراوانی کاربرد، خردی و چشم‌آشنا بودن این واژه سبب شده است تا تفاوت موجود در منظور از به کارگیری آن و اختلاف در لحن ادای این قید هنگامی که بر زبان شخصیت‌ها جاری می‌گردد، چندان مورد توجه پژوهشگران قرار نگیرد. این که فردوسی هنگام داستان پردازی به ظرایفی از این دست، تا چه اندازه آگاهانه و تا چه میزان ناخودآگاه توجه نموده‌است بر کسی معلوم نیست؛ اما آنچه مسلم است این است که بخشی از جذابیت نامور نامه ایران در گرو چنین دقایقی است که آگاهی از آن، سبب التذاذ بیشتر خوانندگان شاهنامه، نمایان شدن ارزش هنری این اثر سترگ و توانایی سراینده‌اش می‌گردد.

کلید واژه: فردوسی، شاهنامه، قید یکی، لحن و آهنگ بیان

### مقدمه

قابلیت واژه سازی کم و بیش در تمامی زبان‌های دنیا وجود دارد؛ اما عموماً حجم فرهنگ لغات هر زبان که نمایانگر میزان کارکرد لغات و چگونگی استفاده اهل زبان از آن است ملاک سنجش قوت یا ضعف یک زبان قرار می‌گیرد، بنابراین جامعیت و توانمندی زبان تنها در خلق واژه خلاصه نمی‌شود بلکه به کارکرد آن نیز بستگی ای تام دارد، از این رو چگونگی تعامل کاربر خلاق زبان با آن، در غنی سازی زبان نقشی بسزا و تعیین کننده ایفا می‌کند. کاربر توانای زبان می‌تواند با بهره گیری از خلاقیت خویش، واژه‌ای واحد را در درون یک متن چنان به کار بگیرد که مفاهیم و منظوره‌های گوناگونی را القا نماید، و بدیهی است که این ویژگی در متن ادبی که از زبان خودکار روزمره فاصله دارد به مراتب نمایان تر بوده و امکان تحقق بیشتری خواهد داشت.

فردوسی در مقام شاعری توانا که از ظرفیت‌های زبان فارسی به نیکی آگاه است در کنار داستان پردازی و اهتمام بر جذّاب ساختن محتوا، عناصر زبانی را به گونه‌ای به کار می‌بندد که شیوه بیان نیز جلب توجه می‌کند و در پرتو برجستگی واژگان، پیام از اهمیت بیشتری برخوردار شده و نیازمند دقت می‌گردد. قید "یکی" نمونه‌ای از این واژه‌هاست که علی رغم معنای خرد ظاهری، در داستان توانای فرزانه توس شایستگی کمال توجه را یافته‌است.

"یکی" عنصری مؤثر در داستان پردازی فردوسی

<sup>۱</sup>. استادیار، زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه زنجان، vejvani@znu.ac.ir

حضورِ واژه "یکی" با نقش دستوری قید در شاهنامه فردوسی حضورِ چشمگیر است. در شرح‌هایی هم که بر ابیات شاهنامه نوشته شده است، غالباً "یکی" را قید دانسته‌اند و این، سخن صحیحی است؛ اما با تأمل بیشتر در نحوه به کارگیری آن، معلوم می‌شود که قید یادشده، افزون بر تأکید و القای بعضی مفاهیم معدود و معین که بدان اشاره خواهیم داشت، همواره منظوری یکسان و ثابت را القا نمی‌کند، همچنین زمانی که در قالب عبارات گفتگو بر زبان شخصیت‌های شاهنامه جاری می‌گردد، از لحن ادایی مشابه و تغییرناپذیر تبعیت نمی‌نماید، بلکه منظور از به کارگیری آن و آهنگ بیان، به تناسب موقعیت داستان و شرایط عاطفی و روحی قهرمانان، صورت‌های گوناگونی می‌یابد که در فضا سازی داستان و انتقال احساس و عاطفه شخصیت‌ها نقشی بنیادین ایفا می‌کند.

اثر روایی همچون گفتار، به گوینده و شنونده نیازمند است و در کمتر گفتاری می‌توان سخنی فاقد آهنگ بیان یافت. «حتی در ضمن گوش دادن به زبان خارجی که آن را نمی‌فهمیم صوت محض نمی‌شنویم، بلکه آهنگ معنی‌داری را که گوینده یا خواننده به آن می‌دهد می‌شنویم» (ولک، ۱۳۸۲: ۱۷۶). فردوسی در روایت داستان‌های شاهنامه، هم خود نگرش عاطفی‌اش را همراه سخن می‌سازد و هم در گفتگوهایی که میان شخصیت‌ها ترتیب می‌دهد، لحن ادای واژگان را خنثی در نظر نمی‌آورد؛ زیرا به نیکی آگاه است «سخن که یکدست باشد و یکنواخت، نمی‌تواند قوت و درخشندگی داشته باشد، برعکس خواب‌آور می‌شود و ملال‌انگیز» (زرین کوب، ۱۳۶۳: ۱۶۷).

حماسه‌سرای بزرگ ایران با شناخت درست از موقعیت قرارگیری شخصیت‌های داستان و ترسیم صحیح حالات عاطفی آنان، به طور غیرمستقیم مخاطب را با روحیه شخصیت‌ها آشنا می‌سازد و به کاربرد گفتگو که مکشوف ساختن شخصیت داستان است (یونسی، ۱۳۸۴: ۳۵۱) عینیت می‌بخشد. فلور می‌نویسد: «کاری است بزرگ و سنگین که آدم بخواهد از گفتگو به عنوان ابزاری برای ترسیم چهره‌ها و شخصیت‌ها بهره جوید» (آلوت، ۱۳۶۸: ۵۲۳).

فرزانه توس به سائقه ذوق و استعداد فردی، حالات روحی شخصیت‌ها اعم از غم، شادی، درد، رنج، اضطراب، تردید و ... را با مهارت تمام به تصویر می‌کشد، به گونه‌ای که وضع اندام، چهره، لحن و مخصوصاً آهنگ بیان آنان با موقعیتی که در آن قرار گرفته‌اند به صورتی طبیعی و باورکردنی مطابقت می‌کند و همین امر سبب همدلی خوانندگان و شنوندگان با داستان‌های وی می‌گردد.

در پژوهش حاضر با ذکر شواهد نشان خواهیم داد که منظور و آهنگ‌های بیان گوناگونی که فردوسی به قید "یکی" می‌بخشد، در واقعی جلوه دادن و باور پذیر کردن داستان‌ها نقش مؤثری دارد و بخشی از بار شخصیت پردازی را بر دوش می‌کشد. این منظورها و ضرابهنگ‌های صدا که از طریق شیوه به کارگیری قید "یکی" القا می‌شود، چنان با موقعیت داستان و حالات روحی قهرمانان همخوانی دارد که اگر قرار باشد ابیات حاوی این قید، در قالب نمایشنامه به اجرا درآید و به عنوان دیالوگ بر زبان شخصیت‌ها جاری گردد و یا توسط نقالانی توانا و اهل فن روایت شود، بی‌گمان در آهنگ صدا و حالات چهره و اندام آنان نمود بارزی خواهد داشت.

توجه به این نکته نیز ضروری می‌نماید که برای دریافت دقایقی از این دست، شیوه خوانش متن حائز کمال اهمیت است؛ زیرا چگونگی خواندن مهمترین فرآیند هویت بخش به هر اثر مکتوب ادبی است. می‌توان گفت پس از خلق اثری ارزنده، این خواننده آگاه است که با خوانشی صحیح و درکی درست، منظور از آفرینش هنری را محقق ساخته و آن را با

قرائت فردی خویش به پایان می‌رساند؛ همچنانکه خوانش نادرست و ناقص متن امکان ظهور قابلیت‌های عاطفی، مفهومی و هنری را از آن بازستانده و متن را بی تأثیر می‌سازد.

### "یکی"، منظور و آهنگِ ادا

چنان که اشاره شد در شاهنامه فردوسی منظور از ادای قید "یکی" و نیز آهنگِ ادای آن از سوی شخصیت‌های شاهنامه ثابت و یکسان نبوده و به تناسب موقعیت داستان و حالات روحی و احساسی گویندگان تغییر می‌یابد. اینک در چهار نمونه نخست به ذکر شواهدی می‌پردازیم که تفاوت منظور گوینده از بیان این قید را نشان می‌دهد و در شش نمونه بعد به تفاوت آهنگ بیان شخصیت‌ها هنگام ادای آن توجه می‌کنیم.

#### ۱- بیان دقت

به گرد بیابان یکی بنگرید  
دانشگاه زنجان شد آن اژدهای دژم ناپدید  
(فردوسی، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۲۶)  
رستم در خان سوم از هفت خان، با صدای اژدها از خواب بیدار می‌شود و با دقت تمام به یافتن منشأ صدا می‌پردازد. فردوسی هنگام روایت این صحنه با آوردن قید "یکی" افزون بر رساندن مفهوم "لختی یا زمانی"، چگونگی نگاه و در واقع نهایت دقت رستم را که از خواب برخاسته است به مخاطب القا می‌کند، حال آنکه اگر این قید ذکر نمی‌شد هیچ کیفیتی برای نگاه رستم متصور نبود.

#### ۲- بیان شکوه و هیبت

چو بهرام را دید نیزه به دست  
یکی برخروشید چون پیل مست  
(همان، ج ۳، ص ۹۵)  
در بیت یاد شده با آنکه "یکی" قید تأکید است و در مفهوم "یکدفعه" به کار رفته است؛ اما در عین حال فردوسی هنگام روایت آن با ذکر این قید، خروش تژاو پهلوان تورانی را خروشی شکوهمند و پرهیبت تصویر می‌کند، به گونه‌ای که اگر امکان صرف نظر کردن از عبارت "چون پیل مست" وجود می‌داشت، باز هم قید "یکی" قادر بود آن هیبت و شکوه را منتقل سازد.

#### ۳- بیان ضرورت

نخستین یکی گرد لشکر بگرد  
چو پیش آیدت روز ننگ و نبرد  
(همان، ج ۶، ص ۲۱۸)  
اردشیر بابکان به سپاه‌سالار خویش خاطر نشان می‌سازد که در روز نبرد به منظور روحیه بخشی به سپاه، از روی ضرورت "یکی = لختی" در میان آنان بگردد؛ زیرا در چنان روزی، بودن در کنار سپاهیان امر لازمی است. توصیه

عنصرالمعالی نیز بیانگر آن است که صمیمیت با لشکر در روز رزم از رسوم نبرد بوده است: «روز حرب چون چشم بر لشکر خصم افگنی و هر دو لشکر روی به یکدیگر نهند، خنده‌ناک باش و با لشکر خویش همی گوی که: چه سگان باشند این‌ها؟ به یک ساعت دمار از ایشان برآوریم» (عنصرالمعالی، ۱۳۸۳: ۲۲۳-۲۲۴).

شاهد دیگر:

من اکنون یکی باز لشکر شوم

به شبگیر نزدیک مهتر شوم

(همان، ج ۴، ص ۴۷)

هومان، پهلوان تورانی به گیو می‌گوید که با تاریکی هوا بالضرورة "یکی = لختی" نزد سپاه خود باز می‌گردد تا به محض دمیدن سپیده دوباره برای نبرد با وی به میدان آید.

۴- بیان ممتاز بودن

ز پهلو برون رفت کاوس شاه

دانشگاه زنجان

۱۳-۱۵ شهریور ۲ پگی تیز برگشت گرد سپاه

(همان، ج ۲، ص ۲۴۳)

هنگام عزیمت سیاوش به توران زمین کاوس، "یکی = لختی" گرد سپاه او می‌گردد و لشکرش را واری می‌کند، فردوسی هنگام روایت ماجرا با ذکر قید "یکی" سوارکاری کاوس را از حالت معمولی و متداول خارج ساخته و به شکلی ممتاز و یگانه به تصویر می‌کشد.

۵- لحن آرزومندانه

مگر زندگانی دهد کردگار

که بینم یکی روی آن شهریار

دگر چهر فرخ برادر زریر

بگویم که گشتم من از تاج سیر

(همان، ج ۵، ص ۴۴)

گشتاسپ پس از درخواست پادشاهی از لهراسپ و مخالفت پدر با سلطنت وی به روم می‌رود. قید "یکی" که به ظاهر مفهوم "یکبار" دارد؛ بیش از آن که بر یک دفعه دیدن دلالت کند؛ یک دفعه دیدنی که بار دوم و سومی نداشته باشد، با آهنگی آرزومندانه ادا می‌شود و نیاز گشتاسپ برای دیدار پدر و برادر را برای مخاطب محسوس می‌سازد.

۶- لحن رغبت انگیز

به هستی همانا نجیبی ز جای

یکی با فریگیس خیز ایدر آی

(همان، ج ۲، ص ۳۳۲)

افراسیاب که در صدد است سیاوش را از میان بردارد، با ارسال پیام، او را برمی‌انگیزد که برای تفریح و سرگرمی هم شده یکبار همراه فرنیگیس نزد او بیاید و دیداری تازه کند. لحن افراسیاب هنگام ادای قید "یکی = یکبار" لحنی انگیزشی و راغب کننده است.

شاهد دیگر:

یکی اندرآی این شگفتی بین

بزرگی و رای جهان آفرین

( همان، ج ۲، ص ۳۶۵ )

هنگام تولد کیخسرو، گلشهر همسر پیران با تأکید او را به دیدار نوزادِ فرنگیس ترغیب می‌کند. دعوت گلشهر لحنی متداول و معمولی ندارد بلکه مملو از اشتیاق است، و فردوسی این شوق را با شیوهٔ ادایِ قید "یکی = یکبار" بر جان مخاطب می‌نشانند.

۷- لحن کنجکاوانه

یکی روی آن بچهٔ اژدها

مرا نیز بنمای و بستان بها

( همان، ج ۱، ص ۲۴۳ )

سام هنگامی که سیندخت در ایران میهمان اوست از وی می‌خواهد که هرگاه زمان دیدار رودابه فرارسید " یکی = لختی " او را به سام بنماید و در مقابل از سام رونما بگیرد. ذکر "یکی" در آغاز بیت، جمله را از حالت دستوری صرف خارج ساخته و لحن کلام سام را با کنجکاوی ای توأم با اشتیاق درآمیخته‌است. شاهد دیگر:

یکی باز پرسش که باشم به روم

چو پیش آید آن گردش روز شوم

( همان، ج ۶، ص ۱۰۵ )

اسکندر از ترجمان می‌خواهد تا " یکی = بی‌درنگ " از درخت گویا دربارهٔ مکان مرگش بپرسد، تا بداند که وقوع این رویداد ناخوشایند در روم خواهدبود یا سرزمینی دیگر. فردوسی با آوردن قید "یکی" افزون بر تأکید، تمامی کنجکاوی و نگرانی اسکندر را در لحن او گنجانده و در برابر دیدگان مخاطب به نمایش می‌گذارد.

۸- لحن کهترانه

عنان را یکی باز پیچی به راست

چنان کز هنرمندی تو سزاست

( همان، ج ۷، ص ۱۰۴ )

بابک از نوشین‌روان می‌خواهد تا بار دیگر هنرسوارکاری او را ببیند. قید "یکی" با آن که در مفهوم " کمی یا اندکی " به کار رفته است، با لحنی کهترانه بیان می‌گردد، چنانکه می‌توان آن را با واژهٔ " لطفاً " امروزی برابر گرفت.

۹- لحن ملتسمانه

سپاس از تو دارم نه ز آن انجمن

یکی جان رستم تو مستان ز من

( همان، ج ۳، ص ۲۴۹ )

کیخسرو در نیایش خویش، از پروردگار می‌خواهد که نعمت وجود رستم را از او بازستاند. قید "یکی = فقط" افزون بر تأکید، نمایانگر تمنا و التماسی است که در لحن کیخسرو موج می‌زند.

۱۰- لحن هراس‌آور

بینیم که آن مرد سگری کجاست

یکی کرد خوام بدو دست راست

( همان ، ج ۳، ص ۲۲۸ )

در صحنه‌ای که سپاه ایران و توران در برابر یکدیگر صف‌آرایی کرده‌اند، این بیت از زبان شنگل پهلوان برگزیده تورانیان روایت می‌شود. در این معرکه، تصمیم بر نبرد امری است مسلم که نیاز چندانی به تأکید ندارد؛ اما برای تضعیف روحیه لشکر حریف، پهلوان برگزیده سپاه توران سراغ تواناترین شخص از سپاه مقابل را می‌گیرد و با لحنی تهدید آمیز و هراس‌آور تأکید می‌کند که "یکی = لختی" با رستم نبرد خواهد کرد (راست کردن دست : کنایه از آغاز نبرد . کتازی، ۱۳۸۳: ۶۵۵).

بی‌گمان شواهدی که نقل گردید تمامی منظورها و آهنگ‌های ادایی را که فردوسی با به‌کارگیری قید "یکی" به القای آن‌ها پرداخته است، در برنمی‌گیرد و هر شخص علاقه‌مند دیگری می‌تواند با بررسی این مجموعه عظیم به نمونه‌های دیگری دست یابد

#### نکته‌ای در خور توجه

نکته شایان توجه دیگر که مانند مورد پیشین تا کنون چندان مورد توجه قرار نگرفته، این است که در ابیاتی که قید "یکی"، مفهوم "زمان" را القا می‌کند، اگر چه مفهوم قیدها به ظاهر همسان می‌نمایند؛ اما با دقت بیشتر معلوم می‌شود که مراد از زمان در تمامی ابیات مانند یکدیگر نیست و تفاوت‌های ظریف و قابل ملاحظه‌ای میان آن‌ها وجود دارد که توجه بدان هنگام مطالعه شاهنامه فردوسی، هم بر التذاذ خواننده می‌افزاید و هم هنر شاعری و داستان پردازی فردوسی را بیش از پیش نمایان می‌سازد.

اینک به ذکر نمونه‌هایی می‌پردازیم که قید "یکی" در آن‌ها القا کننده مفهوم زمان است؛ اما زمان‌های اراده شده همسان نبوده و با یکدیگر تفاوت‌های بسیار دارد.

۱- "یکی" در مفهوم همان لحظه

یکی با آسمان برفرازید سر

پر از خون دل، از درد خسته جگر

( همان، ج ۴، ص ۴۵ )

گیو به محض عزیمت بیژن به میدان نبرد، همان لحظه سر بر آسمان برمی‌آورد و در امان ماندن فرزندش را از خداوند درخواست می‌کند.

۲- "یکی" در مفهوم یک لحظه

که چندان کجا راه بگذاشتند

یکی چشم از ایرج نه برداشتند

( همان، ج ۱، ص ۱۱۹ )

هنگامی که ایرج، نامه فریدون را نزد برادران خود می‌برد، سلم به تور می‌گوید که سپاهیان آن دو، دل در گرو مهر ایرج بسته‌اند و در طول مسیر، از سر مهر حتی یک لحظه چشم از او برنگرفتند .

۳- "یکی" در مفهوم اکنون/ حالا

برنده بدو گفت کای تاجور  
یکی شاد کن دل به ایرج نگر  
( همان، ج ۱، ص ۱۲۶ )

به محض تولد منوچهر او را نزد نیا می‌برند. برنده کودک به دلیل شباهت طفل به ایرج به فریدون می‌گوید که اکنون وقت شادی و دیدار ایرج است .

۴- "یکی" در مفهوم مدتی نامعین

باید بر آن رزمگاه آرמיד  
دانشگاه زنجان یکی تا درفش من آید پدید

۱۳-۱۵ شهریور ۹۲ ( همان، ج ۳، ص ۱۶۶ )

فربرز سخن رستم را برای گودرز بازگو می‌کند و می‌افزاید که رستم خواسته است که تا زمان رسیدن او و نمایان شدن درفشش در رزمگاه منتظر وی بماند.

سخن آخر این که هر مجموعه عظیم هنری به بنای سترگی می‌ماند که جاذبه و مسحور کنندگی خود را مدیون اجزایی است که با وسواس و دقت نظر آگاهانه آفریننده آن و نیز ناخودآگاه فرهیخته و کمال یافته وی جمع آمده‌است . در مواجهه اولیه با هر اثر هنری ابتدا کلیت آن مورد توجه قرار می‌گیرد و دقایق و ظرایف تشکیل دهنده آن مجموعه از نظر دور می‌ماند؛ اما برای شناخت هرچه بیشتر آن و نیز توان آفریننده‌اش، پرداختن به دقایق اثر و یافتن رموز زیبایی و جذابیت آن امری ضروری است.

### نتیجه گیری

بررسی شیوه به کارگیری عنصری خرد همچون "یکی" در نظام زبانی حکیم توس نشان می‌دهد که در کلام شاعران بزرگ، گاه منظورهایی متکثر در لباس واژه‌ای واحد القا می‌گردد. سروده فردوسی با فاصله گرفتن از کاربردهای همسان قید یکی، از سویی ظرفیت کارکردی زبان فارسی و از دیگر سو خلاقیت آفریننده خویش را به نمایش گذاشته‌است و همین امر شاید یکی از دلایل جلب توجه مخاطب و درگیر شدن ذهن وی با حماسه ملی ایران باشد.

این بررسی بخشی از هنر داستان پردازی فردوسی را نیز بازمی‌نماید و معلوم می‌کند که سراینده نامور نامه ایران زمین عواطف و هیجان‌های قهرمانان حماسه‌اش را در مواقع مختلف از نظر دور نمی‌دارد و با دقتی تمام در حین روایت، رفتار و کنش آنان را به تصویر می‌کشد.

توجه به چنین ظرایف و دقایقی در شیوه به کارگیری عناصر زبانی از سوی شاعران صاحب سبک و از آن جمله فرزانه توس، سبب می‌شود تا دانشجویان و دیگر علاقه‌مندان به متون ادبی، با نظام پیچیده زبانی بزرگان ادب مواجهه‌ای ساده و سهل انگارانه نداشته باشند و همواره بود و نمود عناصر ادبی را یکسان تلقی نمایند.



تحلیل موشکافانه ساختار زبان بزرگان ادب فارسی، همچنین جزئی از ویژگی‌های کلانی را فراهم می‌آورد که در بررسی سبک شخصی آنان و یا نقدهای ادبی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### منابع

۱. آلوت، میریام. (۱۳۶۸)، رمان به روایت رمان نویسان، ترجمه علی محمد حق شناس، تهران: نشر مرکز.
۲. ابوالقاسم فردوسی. (۱۳۸۶)، شاهنامه، به کوشش جلال خالقی مطلق و دیگران، تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
۳. زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۶۳)، شعری دروغ شعر بی نقاب، تهران: جاویدان.
۴. عنصر المعالی کیکاووس بن اسکندر. (۱۳۸۳)، قابوسنامه، به تصحیح غلامحسین یوسفی، تهران: انتشارات علمی-فرهنگی.
۵. کزازی، میر جلال الدین. (۱۳۸۳)، نامه باستان، جلد ۴، تهران: انتشارات سمت.
۶. ولک، رنه و وارن، آوستن. (۱۳۸۲)، نظریه ادبیات، ترجمه ضیاء موحد و پرویز مهاجر، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۷. یونسی، ابراهیم. (۱۳۸۴)، هنر داستان نویسی، تهران: نگاه.

# SID



سرویس های ویژه



سرویس ترجمه تخصصی



کارگاه های آموزشی



بلاگ مرکز اطلاعات علمی



عضویت در خبرنامه



فیلم های آموزشی

## کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی



PROPOSAL  
پروپوزال

پروپوزال نویسی و پایان نامه نویسی

دوره آموزشی

کارگاه آنلاین  
پروپوزال نویسی و پایان نامه نویسی



روش تحقیق و مقاله نویسی علوم انسانی

دوره آموزشی

کارگاه آنلاین  
روش تحقیق و مقاله نویسی علوم انسانی



ISI  
Scopus

آشنایی با پایگاه های اطلاعات علمی بین المللی و ترند های جستجو

دوره آموزشی

کارگاه آنلاین آشنایی با پایگاه های اطلاعات علمی بین المللی و ترند های جستجو